

بررسی سهم مسئولیت مدنی عوامل متعدد در حقوق ایران و اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپایی

علیرضا باریکلو*

مهدی برزگر**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۲۸ - تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۵

DOI: 10.22096/law.2019.36884

چکیده

در فرضی که بیش از یک عامل در تحقق زیان به دیگری دخیل باشد، پس از احراز سببیت دو یا چند عامل، هر یک از آنها مسئول جبران خسارت در حق زیان دیده خواهد بود. اما چگونه سهم مسئولیت هر یک از عوامل مسئول تعیین می‌شود و بر چه مبنای معیاری می‌توان سهم هر یک از آنان را مشخص و میزان خسارت را توزیع کرد؟ در این مورد سه معیار توزیع مسئولیت به تساوی، توزیع مسئولیت به میزان تأثیر و توزیع مسئولیت به درجه تقصیر عوامل مطرح شده است. در این مقاله، ضمن توصیف فروض مختلف عوامل متعدد، هر یک از این معیارها با توجه به ادله و اصول حقوقی و اهداف مسئولیت مدنی بررسی و اثبات شد که اصل اولیه، توزیع مسئولیت به میزان تأثیر است و با فقد دلیل بر تفاوت در تأثیر افعال عوامل مسئول در ایجاد زیان یا تأثیر مساوی آنان، معیار توزیع مسئولیت به تساوی اعمال می‌شود.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی؛ عدالت اصلاحی؛ تساوی؛ درجه تقصیر؛ میزان تأثیر.



مقدمه

هرگاه دو یا چند عامل در ورود زیان، نقش سببی داشته باشند، اعم از اینکه به نحو مباشر یا مسبب یا اینکه ترکیبی از آن دو باشند، مسئول جبران زیان وارده خواهند بود؛ ولو زیان در نتیجه عملکرد چند عامل انسانی محقق شود یا اینکه در کنار عامل انسانی یک یا چند عامل غیرانسانی دخیل باشند. بنابراین، هرچند مسئولیت عوامل متعدد مورد اتفاق است، اما سهم و معیار تعیین سهم آنان از جبران خسارت مورد اختلاف و مناقشه است که از دو جهت قابل بررسی است: نخست، رابطه زیان دیده با عوامل مسئول است؛ اینکه آیا او می‌تواند تمام خسارت خود را از یک عامل مطالبه کند؛ به تعبیر دیگر، آیا در این رابطه مسئولیت توزیع می‌شود یا مسئولیت توزیع نشده و هر یک در قبال زیان دیده نسبت به تمام زیان وارده مسئول است که این جهت موضوع از بحث خارج است. دوم، رابطه مسئولان متعدد با یکدیگر راجع به اینکه چگونه و با چه معیاری حدود مسئولیت آنها تعیین می‌شود، است. از این حیث، چند وجه در حقوق مسئولیت مدنی مطرح است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در حقوق اسلامی نظریه مشهور فقها بر تساوی مسئولیت عوامل که به نوعی توزیع مسئولیت است، قرار گرفته، درحالی که معیار توزیع مسئولیت براساس میزان تأثیر یا درجه تقصیر نیز از سوی برخی فقها و حقوقدانان مطرح شده است. این مقاله با بررسی نحوه وقوع فعل زیان بار و نقش سببی هر یک از عوامل مسئول در صدد اثبات اولویت معیار توزیع به میزان تأثیر است که در قانون مجازات اسلامی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین، فرضیه مقاله این است که بعد از اثبات مسئولیت مدنی عوامل متعدد، اصل اولیه، اعمال معیار توزیع مسئولیت به نسبت تأثیر اقدام هر عامل است، مگر آنکه دلیلی بر تأثیر بیشتر فعل عاملی بر عوامل دیگر وجود نداشته باشد که در این فرض، معیار توزیع به تساوی اعمال می‌شود. بنابراین، در این مقاله معیارهای مطرح شده، در سهم خسارتی که عوامل متعدد باید جبران کنند، مطابق با قواعد حقوق مسئولیت مدنی و اهداف آن بررسی می‌شود.

۱- اهمیت توصیف مسئولیت عوامل متعدد

بررسی سهم مسئولیت عوامل متعدد از این حیث دارای اهمیت است که اگر فعل یک عامل سبب وقوع زیان شود؛ اولاً، در انتساب نتیجه به آن عامل و به تعبیر دیگر برقراری رابطه سببیت به لحاظ نظری با توجه به مبنای مسئولیت، مسئله دارای پیچیدگی و مشکل نیست. تنها دشواری این مسئله می‌تواند به لحاظ عملی در مقام قضاوت برای احراز رابطه سببیت بین فعل یا افعال زیان بار عامل

واحد و زیان وارده در برخی از مصادیق آن باشد که حل و فصل آن از طریق عرف صورت می‌گیرد. ثانیاً، پس از احراز سببیت عامل واحد، موضوع تقسیم مسئولیت مطرح نیست؛ زیرا، زیان در نتیجه فعل یا افعال زیان بار یک عامل حاصل می‌شود؛ بنابراین، تنها همان عامل مسئول جبران آن است. اگر زیان در نتیجه فعل یا افعال زیان بار عوامل متعدد حادث شود؛ اولاً، برقراری رابطه سببیت بین عوامل دخیل و زیان وارده دارای پیچیدگی و اغماض است و به لحاظ نظری بین فقها و حقوقدانان برای تعیین مسئولان در مواردی اختلاف نظر وجود دارد؛ به علاوه اینکه، به لحاظ عملی در مقام قضاوت برای احراز رابطه سببیت بین زیان وارده و عوامل متعدد دخیل، دشواری وجود دارد که البته راه حل موضوع در اینجا نیز با توجه به مبانی مسئولیت تمسک به عرف می‌باشد. ثانیاً، پس از بررسی زوایای مختلف حادثه و تشخیص رابطه سببیت در صورت انتساب زیان وارده به دو یا چند عامل، همه آنان مسئول جبران زیان به حساب می‌آیند. در اینجا موضوع توزیع مسئولیت از این حیث که هر یک از مسئولان چه میزان از خسارت را ضامن است، مطرح می‌شود.

عواملی که در نظر عرف با زیان وارده رابطه سببیت برقرار می‌کنند، ممکن است عوامل انسانی یا عوامل غیرانسانی باشند. عوامل انسانی نیز ممکن است در نتیجه ترکیب یا همکاری زیان دیده با یک یا چند خواننده شکل بگیرد یا در نتیجه ترکیب یا همکاری یک یا چند خواننده با یک یا چند شخص ثالث و به عبارتی در نتیجه ترکیب یا تعاون دو یا چند عامل انسانی غیر از زیان دیده به وجود بیاید. عوامل غیرانسانی نیز ممکن است عوامل حیوانی یا عوامل طبیعی نظیر سیل باشند. موضوع مهم در مورد عوامل غیرانسانی این است که این عوامل ضرورتاً باید به همراه عامل یا عوامل انسانی در وقوع زیان دخیل باشند؛ زیرا، برخلاف احکام صادره در قرون وسطی که عوامل غیرانسانی را به تنهایی مسئول می‌شناخته، امروزه در نظامهای حقوقی برای عوامل غیرانسانی مسئولیتی تصور نمی‌شود؛ ولی از این حیث که در صورت انتساب تمام یا قسمتی از زیان وارده به آن عوامل تمام یا قسمتی از مسئولیت از عهده یک یا چند عامل انسانی مرکب یا متقارن با آنان برداشته می‌شود، (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۵۸۶/۱۳؛ امام خمینی، ۱۴۰۹: ۵۱۴) حایز اهمیت است.

۲- نحوه دخالت عوامل متعدد

موضوع توزیع مسئولیت بین عوامل مسئول، در جایی مطرح می‌شود که زیان در نتیجه ترکیب یا همکاری آن عوامل حادث شود. ترکیب یا همکاری عوامل متعدد در وقوع زیان به چه صورت شکل می‌گیرد که باعث ضمان آنان می‌شود؟

در نظریات فقهی زمانی که قتل یا صدمه در اثر دخالت بیش از یک عامل رخ دهد برای تعیین میزان مسئولیت عوامل مسئول از عنوان «شرکت و اشتراک» استفاده شده که ظهور در همکاری مستقیم دارد؛ به این صورت که، اگر قتل یا صدمه در اثر مشارکت دو یا چند شخص واقع شود هر یک از شرکا ضامن است و برحسب عمد یا غیرعمد یا خطای محض بودن فعل هر شریک، حکم به قصاص یا پرداخت دیه از سوی وی یا عاقله وی می‌شود.^۱ البته شرکت در قتل یا صدمه موضوعیت ندارد و موارد اشتراک در ائتلاف مال نیز تابع همین وجه است. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۸) فقها در تشریح عنوان «شرکت یا اشتراک در جنایت»، آن را در دو فرض طرح کرده‌اند^۲ که هر کدام جداگانه بررسی می‌شود.

۱-۲- همکاری در تحقق زیان

در فرضی که دخالت عوامل متعدد در تحقق زیان، مجزا است، به طوری که هر عامل، فعلی را مستقلاً انجام می‌دهد ولی هم‌زمان با یکدیگر آن زیان را مرتکب می‌شوند، در حقوق خارجی با نام «اسباب هم‌زمان» (Concurrent causes) یا «خاطیان هم‌زمان» (Concurrent tortfeasors)^۳ و در فقه تحت عنوان «شرکت در جنایت» شناخته می‌شوند. در این فرض فعل زیان بار هر یک از عوامل به گونه ای است که اگر به تنهایی رخ دهد سبب ورود زیان کامل می‌شود؛ به عنوان مثال هرکدام از عوامل مستقلاً یک ضربه کشنده به شخصی بزند ولی همکاری ضربات در مجموع سبب قتل شود یا اینکه همه آنان غذای مسموم به او بدهند. در این موارد فعل زیان بار هر یک از مسئولان با فرض استقلال در وقوع باعث حصول نتیجه یعنی قتل می‌شود. بنابراین، برخی^۴ معتقدند، وقتی که هریک از شرکا فعلی را انجام دهد که در صورت انفراد باعث قتل شود، به نحوی که فعل هرکدام علت تامه در ائتلاف باشد، شرکت حاصل می‌شود. همچنان که فرض شود صدور سبب از هریک دفتاً رخ دهد، به طوری که اگر فعل یکی نباشد فعل دیگری کفایت کند. در این صورت هر کدام، دو علت مستقل برای تلف قلمداد شده که لازمه آن شراکت در ضمان خواهد بود.

۱. ماده ۳۶۹ قانون مجازات اسلامی: «قتل یا هر جنایت دیگر، می‌تواند نسبت به هریک از شرکا حسب مورد

عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض باشد.»

۲. النجفی، ۱۹۸۱: ۶۹/۴۲؛ فاضل‌هندی، ۱۴۲۴: ۲۹/۱۱؛ المرآغی، ۱۴۱۷: ۴۴۵/۲؛ علامه‌حلی، ۱۴۱۹: ۵۵۸/۳.

3. Stauton, 2011: 5; Goepel, 2009: 7; Moreteau, 2013: 793.

۴. علامه‌حلی، ۱۴۱۹: ۵۸۸/۳؛ المرآغی، ۱۴۱۷: ۴۴/۲.

در این فرض با اینکه فعل هر یک از عوامل متعدد به تنهایی سبب همان زیان می‌شود، ولی به لحاظ اینکه فعل آنان هم‌زمان اثر کرده و منتهی به یک نتیجه شده، همه عوامل دخیل دارای مسئولیت هستند و به تعبیر فقها اشتراک در ضمان دارند. اطلاق ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی شامل این فرض از شراکت است که مقرر داشته: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.» همچنین اطلاق ماده ۳۶۸ همان قانون که اگر عده‌ای آسیب‌هایی را بر مجنی‌علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود، فقط واردکنندگان این آسیب‌ها شریک در قتل هستند و دیگران حسب مورد به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند، شامل این فرض است. در این مواد که تحت تأثیر نظریات فقهی تدوین شده، مسئولیت مدنی توزیع و هر یک از عوامل به طور مساوی مسئول جبران خسارت شمرده شده‌اند.

در اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپایی^۱ این فرض در ماده ۳/۱۰۲ آمده که مقرر می‌دارد: «در موارد متعدد بودن اقدام، در مواردی که هریک از آنان به تنهایی می‌تواند در یک زمان باعث ورود ضرر شود، هر اقدام به عنوان سبب خسارت زیان‌دیده تلقی می‌شود.»^۲ در تفسیر این ماده اظهار شده که موضوع آن راجع به افعالی است که نتیجه آنها وقوع خسارت در یک زمان است. البته مهم نیست که افعال در یک زمان رخ دهد؛ موضوع اساسی این است که تمام آنها در یک زمان سبب خسارت شوند. مانند آنکه D1 موشک دوربرد پرتاب کند و D2 موشکی با برد کوتاه پرتاب کند و هر دو موشک در یک زمان به خانه P برخورد کنند. در فرض مثال، پرتاب موشکها در یک زمان واقع نشده، درحالی‌که در یک لحظه به هدف برخورد کرده‌اند.^۳ (The European Group on tort law, 2005: 45) در این فرض طبق رویکرد اصول اروپایی، هر سببی مقابل زیان‌دیده نسبت به تمام خسارت وارده مسئولیت تضامنی دارد. (Kozil, 2015: 52; Michael, 2016: 607; Moreteau, 2013: 795)

1. Principles of European Tort Law (PETL).

۲. برنهارد، ۱۳۹۲: ۱۳۸ و ۱۳۸/۱۳۹.

۳. مثال سنتی از اسباب هم‌زمان در حقوق خارجی راجع به دو کارخانه‌ای است که فاضلاب سمی به رودخانه می‌ریزند و در نتیجه آن ماهیان تلف می‌شوند. فاضلاب هر کارخانه مستقلاً برای تلف ماهیان کفایت می‌کند. (Young, 2007: 111)

۲-۲- همکاری در انجام فعل زیان بار

در این فرض، فعل زیان بار هریک از عوامل به تنهایی سبب تحقق زیان نمی‌شود، بلکه با همکاری و تعاون آنان در انجام فعل زیان بار نتیجه محقق می‌شود.^۱ مثلاً، در صورتی که ده نفر هرکدام جراحاتی را به شخصی وارد کنند و هریک از جراحات منجر به قتل نشود ولی در نتیجه سرایت تمام آن جراحات قتل رخ دهد؛ یا مثل اینکه دو شخصی با همکاری یکدیگر سنگ بزرگی را روی خودروی دیگری بیندازند و سبب خسارت به آن شوند.^۲ در توضیح این فرض بیان می‌دارد که شرکت حاصل می‌شود وقتی که هر یک از شرکاء، شرکت در سرایت جنایت منجر به قتل با قصد آن داشته باشد مثل اینکه تعدادی شخص را شلاق بزنند به طوری که هر کدام یک شلاق بزند و در اثر شلاقها شخص فوت شود، قصاص بر همه آنها واجب می‌شود. همچنین در فرض غرور، چنانچه دو نفر شهادت دهند که این مال متعلق به شخصی است و او مال را در تصرف خود درآورده و تلف کند سپس مشخص شود که آن مال متعلق به غیر بوده است، به لحاظ اینکه فعل هر یک از دو شاهد جزء سبب بوده و در ترکیب با هم سبب تلف مال محقق شده، آن دو شاهد اشتراک در ضمان خواهند داشت. (المراعی، ۱۴۱۷: ۴۴۵).

ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی ناظر بر این فرض از شرکت است که مقرر داشته: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند.» مواد ۵۲۶، ۵۲۷ و ۵۲۸ همان قانون نیز مواردی از همکاری دو یا چند عامل به نحو سبب جزء، در تحقق جنایت را بیان می‌دارند.

در ماده ۳/۱۰۵ اصول اروپایی به سببیت جزئی (Partial Causation) عوامل متعدد در ایجاد زیان تصریح و مقرر شده: «در موارد متعدد بودن اقدام زیان بار، هرگاه این اطمینان وجود داشته باشد که هیچ کدام از آنها باعث ورود تمامی خسارت یا بخش معینی از آن خسارت نشده‌اند، عواملی که این خسارت به آنها قابل انتساب است، به نسبت مساوی مسئول جبران خسارات وارده است.» (برنهارد، ۱۳۹۲: ۱۳۸ و ۱۳۹/۱۳۹) توجیه این ماده بر این است که چون هیچ‌یک از عوامل،

۱. این فرض در حقوق خارجی یکی از اشکال «joint tortfeasors» (خاطیان مشترک) یا «multiple tortfeasors» (خاطیان متعدد) و در فقه قسمی از شرکت در جنایت شمرده می‌شود.

۲. علامه حلی، ۱۴۱۹: ۵۸۸/۳.

سبب اصلی و تنهایی خسارت نبوده بلکه سببیت جزئی داشته، علاوه بر آن سهم مشخصی از خسارت قابل انتساب به آنها نیست، هریک باید به میزان مساوی مسئول باشند؛ اما، اگر خسارتی به سبب چهار عامل D1، D2، D3 و D4 وارد شود و سهم D1 در ورود خسارت حداقل ۶۰٪ و مشخص باشد، ولی در ۴۰٪ باقی مانده سهام هر یک از عوامل قابل تعیین نباشد، مطابق این ماده هر کدام در ۴۰٪ باقی مانده سهم مساوی در مسئولیت داشته و به میزان ۱۰٪ مسئول هستند. بنابراین، در نهایت امر، جبران خسارت به میزان ۷۰٪ به عهده D1 و به میزان ۱۰٪ به عهده D3، D2 و D4 قرار می‌گیرد. (The European Group on tort law, 2005:55) البته رویکرد اصول اروپایی در رابطه بین مسئولان با زیان دیده در این فرض بر مسئولیت تضامنی است. (Kozil, 2015: 52; Michael, 2016: 607) در این ماده از دو ملاک تساوی و اختصاصی استفاده شده است؛ یعنی، اصل اولیه به سیره عقلایی بر تساوی همه عوامل قرار گرفته و بعد از اثبات ورود ۶۰٪ زیان توسط یکی از عوامل، این میزان از زیان از قلمرو ملاک اصلی خارج و تحت پوشش ملاک اختصاصی قرار می‌گیرد؛ زیرا، اصل استقلال اشخاص اقتضا می‌کند که هر شخص مسئول جبران خسارت متناسب به خویش باشد. اما باید توجه نمود که وقتی ملاک اختصاصی نسبت به یکی از عوامل اعمال شود، اعمال مجدد ملاک تساوی بر آن عادلانه نیست؛ زیرا، منطق حقوقی اعمال قواعد اقتضا دارد که اصل اولیه زمانی اعمال شود که دلیل خاصی وجود نداشته باشد. اگر دلیل خاصی بر سهم اختصاصی یک از عوامل اقامه شود، مسئولیت او تابع همان دلیل است و نباید او را علاوه بر آن، تابع اصل تساوی نیز شمرد.

۳- تأثیر نحوه دخالت بر استناد زیان به عوامل متعدد

مرز بین موضوع احراز نحوه سببیت عوامل متعدد برای شناسایی مسئولین خسارت با موضوع تعیین سهم مسئولیت عوامل بسیار نزدیک و به هم مرتبط است، به طوری که در بسیاری از کتب فقهی و حقوقی صرفاً میزان مسئولیت عوامل مسئول در پرتو نحوه دخالت آنان بررسی شده است. بنابراین، در تبیین سهم مسئولیت هریک از عوامل ناچاراً باید موضوع نحوه دخالت و استناد احراز شود. در مرحله احراز سببیت عوامل متعدد فروض مختلفی به لحاظ نحوه ارتباط و دخالت آنها در تحقق زیان و استناد ضرر به آنها مؤثر است که عمدتاً در سه صورت قابل توصیف است.

۱-۳- مباشرت

مباشرت یعنی اینکه، عامل به طور مستقیم و بدون واسطه در وقوع فعل زیان بار دخالت کند. از این رو، در ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.» بعضی در ملاک مباشرت ایجاد علت را مطرح کرده و معتقدند زمانی آسیب مستقیماً توسط مرتکب واقع می‌شود که علت از سوی او ایجاد شود.^۱ به عبارت دیگر، مرتکب فعلی را انجام می‌دهد که لازمه وجود آن به حسب ذاتش با عدم مزاحمت مانع وجود زیان است. (رشتی، ۱۳۸۸: ۸۳) بنابراین، وقتی که جنایت یا خسارت بدون واسطه فاعل ارادی یا غیرارادی دیگر مستند به فاعل علت آن باشد،^۲ عنوان مباشر بر او صدق می‌کند؛ مثل، قتل یا صدمه با شمشیر یا سوزاندن لباس دیگری که به مرتکب آنان مباشر گفته می‌شود. وقتی که دو یا چند عامل به نحو فوق مشارکت نمایند به آنها مباشرین در زیان اطلاق می‌شود.

در اصول اروپایی تعریفی از مباشرت به معنای فوق نیامده، ولی تحت معنای عام سبب طبق ماده ۳/۱۰۱ قرار می‌گیرد و اشکال و احکام آن در فصل یک مواد ۳/۱۰۲ به بعد و مواد ۹/۱۰۱ و ۹/۱۰۲ بیان می‌شود. قسمت الف بند ۱ ماده ۳۹/۱۰۱ اصول در بیان مصادیق مسئولیت تضامنی عوامل متعدد در رابطه آنها با زیان دیده به مباشرین متعدد اشاره دارد.

در فرض تعدد مباشر هیچ اختلافی در سببیت همه مباشرین و مسئولیت آنها در جبران زیان وجود ندارد؛ زیرا اولاً، به حکم قاعده عقلی معلول تابع علت است؛ لذا زیان وارده به عنوان معلول در نظر عرف بما هم عقلاء منتسب به عامل ایجاد علت آن است. ثانیاً، از حیث ظهور عرفی، انتساب آسیب به مباشر آشکارتر از سایر عوامل ورود زیان است.

۲-۳- تسبیب

تسبیب، عبارت از دخالت غیرمستقیم در وقوع فعل زیان بار یا آسیب وارده است. به همین دلیل در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب

۱. رشتی، ۱۳۸۸: ۷۹؛ المقدس‌الاردیبلی، ۱۳: ۱۴۱۶: ۳۹۱/۱۳.

۲. البجنوردی، ۱۴۲۸: ۳۱.

۳. «شخص آگاهانه در فعل ارتكابی زیان بار توسط دیگری مشارکت کرده... و این امر موجب ورود خسارت به زیان دیده شده است.»

تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.» برخی معتقدند تسبیب یعنی هر فعل یا ترک فعلی که تلف در نزد آن به علت دیگری حاصل می‌شود، به طوری که اگر آن سبب نباشد تلف حاصل نمی‌شود.^۱ همچنین، سبب آن است که از وجودش وجود تلف لازم نمی‌آید ولی از عدم سبب عدم تلف لازم آید. (البجنوردی، ۱۴۲۸: ۳۲) بنابراین، تسبیب غیر از سبب اصطلاحی به معنای علت مؤثر است؛ زیرا، کندن چاه موجب هلاکت نمی‌شود، بلکه لزوماً به سقوطی در آن نیاز است؛ (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲: ۱۰۶) درحالی که، علت که در بحث مباشرت بیان شد آن است که از وجودش وجود تلف و از عدم آن عدم تلف لازم می‌آید. اگرچه از وجود سبب وجود تلف حاصل نمی‌شود، ولی سبب زمینه و شرایط وقوع فعل زیان بار را به گونه‌ای فراهم می‌کند که عرفاً فعل زیان بار به او استناد پیدا می‌کند. (باریکلو، ۱۳۹۳: ۲۲۳) لذا، اکثر فقها در تعریف سبب، توقع و احتمال حصول تلف را مطرح کرده و معتقدند سبب آن است که از آن توقع حصول تلف رفته و تلف به واسطه آن حاصل شود.^۲ به شخصی که با رفتار خود شرایط وقوع فعل زیان بار را فراهم می‌کند مسبب گفته می‌شود که در اصطلاح حقوق مسئولیت مدنی از آن به سبب تعبیر می‌شود.

سبب همانند مباشر ممکن است به تنهایی در وقوع زیان نقش داشته باشد یا در نتیجه ترکیب یا همکاری دو یا چند سبب زیان حاصل شود. در فرض اخیر اسباب متعدد یا در عرض یکدیگر یا در طول هم قرار می‌گیرند. این تقسیم‌بندی در راستای تشخیص اسباب مسئول به وجود آمده و نظریات مختلفی^۳ در این باره مطرح شده است؛ ولی، با توجه به اینکه موضوع بحث تعیین سهم مسئولیت عوامل مسئول است، لذا فارغ از پذیرش یا اعمال هر نظریه‌ای برای احراز رابطه سببیت و شناسایی اسباب مسئول، در صورتی که مطابق هر یک از نظریات، دو یا چند سبب به عنوان اسباب مسئول تعیین شوند موضوع تقسیم مسئولیت بین آنها مطرح خواهد شد؛ مثلاً، بر مبنای نظریه تساوی اسباب، تمام عوامل مؤثر در پیدایش ضرر اعم از اینکه به نحو شرط و مقتضی یا به نحو سبب

۱. فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲: ۱۰۶؛ المحسنی، ۱۳۸۲: ۱۵۲.

۲. رشتی، ۱۳۸۸: ۸۳.

۳. نظریه تساوی اسباب، نظریه سبب مناسب و متعارف، نظریه سبب مستقیم و نزدیک، نظریه سبب مقدم در تأثیر و نظریه تداخل اسباب.

یا به نحو علت دخالت کرده باشند باید به عنوان سبب زیان تلقی شوند. (باریکلو، ۱۳۹۳: ۱۵۹) در این صورت موضوع میزان مسئولیت هر یک از اسباب مطرح می‌شود. مثال دیگر اینکه، مطابق نظریه مشهور فقها^۱ در اسباب طولی، سبب مقدم در تأثیر به عنوان سبب مسئول شناخته می‌شود. در این صورت موضوع تقسیم مسئولیت مطرح نیست، ولی اگر سبب مقدم خود مرکب از دو سبب باشد در اینجا موضوع تقسیم مسئولیت مطرح خواهد شد. در همین اسباب طولی مطابق نظر تعدادی از فقها (خویی، ۱۴۲۲: ۳۱۶/۴۲؛ المحسنی، ۱۳۸۲: ۱۵۵) هر دو سبب مقدم و مؤخر در تأثیر به عنوان اسباب مسئول شمرده می‌شوند که در اینجا نیز علاوه بر آن موضوع توزیع مسئولیت پیش می‌آید.

در اصول اروپایی، اگرچه تسبیب به معنایی که در فقه و حقوق ایران ذکر شد، نیامده است، ولی این صورت همانند صورت مباشرت تحت معنای عام سبب در ماده ۳/۱۰۱ قرار گرفته و موضوع اجتماع اسباب و حکم آن در فصل یک مواد ۳/۱۰۲ به بعد و مواد ۹/۱۰۱ و ۹/۱۰۲ آن بیان شده است. شایان ذکر است اصول در رابطه اسباب معلوم با زیان دیده راه حل مسئولیت تضامنی را پذیرفته، اما در اسباب مجمل که تحت عنوان اسباب جانشین (Alternative causes) در ماده ۳/۱۰۳ آمده، راه حل مسئولیت نسبی (Proportional liability) را برگزیده است. (koziol, 2015: 56)

۳-۳- همکاری سبب و مباشر

یکی از فروضی که در اجتماع عوامل متعدد وجود دارد و در فقه تحت عنوان «تزامم موجبات» مورد بحث قرار گرفته، همکاری سبب و مباشر است. در این فرض، اکثر نظریات فقهی اصل را بر مسئولیت عامل مباشر قرار داده و عامل غیرمباشر را مسئول ندانسته‌اند، مگر به حدی قوی باشند که مباشر در حکم ابزار و آلت آن باشد. بنابراین، طبق نظر مشهور فقها^۲ در راستای تعیین عامل

۱. محقق‌حلی، ۱۳۸۹: ۲۵۷/۴؛ امام‌خمینی، ۱۴۰۹: ۵۱۴؛ النجفی، ۱۹۸۱: ۱۴۵/۴۳. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی، نظریه مشهور فقها در اسباب طولی را بیان می‌کند: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب طولی دیگر باشد، ضامن است، مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است، مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.»
 ۲. الطباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۶۶/۱۲؛ النجفی، ۱۹۸۱: ۵۴/۳۷؛ المقدس‌الاردبیلی، ۱۴۱۶: ۳۹۴/۱۳؛ علامه‌حلی، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۳؛ حسینی، ۱۳۸۲: ۲۱۶؛ محقق‌حلی، ۱۳۸۹: ۲۵۷/۴.

مسئول، مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. پس در صورت اقوی بودن مباشر و حتی تساوی سبب و مباشر، مشهور فقها عقیده بر مسئولیت مباشر داشته و سبب را ضامن نمی‌دانند. ماده ۳۳۲ قانون مدنی از این نظریه تبعیت کرده است. مطابق این نظریه تنها در صورتی که در ردیف مباشر یا سبب دو شخص اجتماع کرده باشند، موضوع تعیین سهم مسئولیت عوامل مسئول قابل تصور است. طبق نظر برخی فقها^۱ در فرض تساوی سبب و مباشر هر دو مسئول هستند. طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز در صورت اجتماع سبب و مباشر طوری که جنایت به هر دو استناد داشته باشد، هر دو عامل مسئول هستند. بنابراین، برابر این ماده در این فرض موضوع تعیین سهم مسئولیت مطرح می‌شود. در اصول اروپایی با لحاظ معنای عام سبب می‌توان اجتماع سبب و مباشر را در قسمت ج^۲ و بخشی از قسمت الف^۳ بند یک ماده ۹/۱۰۱ مشاهده کرد.

۴- معیارهای تعیین سهم مسئولیت مدنی

در مواردی که چند عامل اعم از مباشر یا تسبیب در وقوع آسیب دخالت کنند، بیشتر صاحب‌نظران تحت تأثیر قاعده علیت فلسفی، زیان را متناسب به تمام عوامل دخیل می‌دانند؛ برخلاف حقوق خارجی که هر عاملی را مسئول جبران کل خسارت زیان‌دیده دانسته و مسئولیت را توزیع نموده و بعد از جبران یکی از عوامل، نظریه توزیع خسارت را مطرح کرده است؛ مانند، مسئولیت غاصبان نسبت به منافع مال مغضوب که هر غاصبی نسبت به منافع زمان تصرف خود و ما بعد ضامن است، ولی بعد از جبران می‌تواند به هر غاصبی به اندازه زمان تصرف او مراجعه و مطالبه منافع کند. در نظریات فقهی مسئولیت توزیع شده و لذا برای تعیین سهم مسئولیت هر یک از عوامل در حقوق مسئولیت مدنی معیارهای متعددی مطرح شده که مهم‌ترین آنها توزیع مسئولیت به تساوی، توزیع مسئولیت به میزان تأثیر و توزیع مسئولیت به میزان درجه تقصیر عوامل مسئول است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. المطهری، ۱۴۰۸: ۱۱۲؛ نائینی، ۱۴۲۱: ۵۷۰.

۲. «شخص، مسئول خسارتی است که با وجود شرایطی به سبب کارگش محقق شده، درجایی که آن کارگر نیز مسئول باشد.»

۳. «شخص، آگاهانه، دیگری را... تحریک یا تشویق به ارتکاب فعل زیان‌بار نماید که سبب خسارت به زیان‌دیده می‌شود.»

۱-۴- معیار توزیع مسئولیت به تساوی

مطابق این معیار در فرضی که بیش از یک مسئول در زیان وارده معین شود، مسئولیت به نسبت تساوی عددی بین آنان توزیع می‌شود. بنابراین، در صورتی که دو مسئول در قضیه وجود داشته باشند هر یک نصف مسئولیت و در صورتی که مسئولین زیان سه نفر باشند، هر کدام یک‌سوم مسئولیت را بر عهده دارند؛ و همین‌طور در صورتی که تعداد مسئولین بیشتر باشد به نسبت تعداد عوامل، ضمان خواهند داشت. مطابق این معیار فارغ از اینکه فعل زیان بار هر یک از عوامل مسئول به چه صورت واقع شده و چه میزان نقش سببی در وقوع زیان داشته باشند، به لحاظ اینکه در تحقق آن با هم اشتراک دارند، هر کدام به نسبت مساوی ضامن هستند. بنابراین، در هر موردی که عوامل متعدد اعم از مباشرین و مسببین یا ترکیب آن دو، در وقوع آسیبی دخالت کنند، مسئولیت به سهم مساوی بین آنان تقسیم می‌شود. مشهور فقها (المطهری، ۱۴۰۸: ۱۱۴؛ النجفی، ۱۹۸۱: ۷۱/۴۳-۶۱؛ فاضل‌هندی، ۱۴۲۴: ۲۹/۱۱-۲۸؛ علامه‌حلی، ۱۴۱۹: ۵۶۸/۳؛ المرآعی، ۱۴۱۷: ۴۴۵/۲-۴۴۴؛ امام‌خمینی، ۱۴۰۹: ۱۴/۲-۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۵۷؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۴۳۲: ۱۴۶؛ خویی، ۱۴۲۲: ۳۰/۴۲) در بحث اشتراک در جنایت در کتاب قصاص و دیات معیار تساوی مسئولیت بین مسئولان متعدد را پذیرفته‌اند. این دسته از فقها در بیان احکام مربوط به اشتراک دو یا چند نفر در جنایت با تفکیک دو فرض مذکور به تساوی مسئولیت بین شرکا، فارغ از قوت و ضعف آنها در فرض دوم نظر داده‌اند. برای روشن شدن این معیار به برخی نظریه‌های فقهی اشاره می‌شود؛ به عنوان مثال، بعضی در مورد حکم اشتراک دو نفر یا بیشتر (اعم از مباشر یا مسبب) در قتل دیگری معتقدند همه باید قصاص شوند؛ البته بعد از اینکه ولی دم مقتول فاضل دیه را به قاتلین پرداخت نماید؛ چون، شرکت دو فرض دارد؛ نخست، هر یک از شرکا فعلی را انجام دهد که در صورت انفراد باعث قتل شود. دوم، هر یک از شرکا در سرایت جنایت منجر به قتل با قصد به آن شرکت داشته باشد؛ مانند آنکه، تعدادی شخصی را با شلاق بزنند به نحوی که هر کدام یک شلاق بزنند و در اثر شلاقها شخص مضروب فوت شود، قصاص بر همه آنان واجب می‌شود. در اینجا تساوی در جنایت معتبر نیست، بلکه اگر یک ضارب یک جنایت و دیگری صد جنایت وارد کرده و در اثر سرایت همه جنایتها شخص مضروب فوت شود، جنایت به طور مساوی به دو جانی منتسب می‌شود. (علامه‌حلی، ۱۴۱۹: ۵۸۸/۳) برخی دیگر در تقویت این ملاک معتقدند، نه تنها تساوی در تعداد جنایت لازم نیست، بلکه تساوی در جنس جنایت نیز لازم نیست؛ بنابراین، اگر یکی جائفه‌ای به شخص بزند و دیگری جراحتی غیر از آن وارد نماید یا اینکه یکی جراحتی وارد کند و دیگری

شلاقی به او بزند، حکم هر دو یکسان است. (فاضل‌هندی، ۱۴۲۴: ۲۹/۱۱) برخی این ملاک را به عنوان اصول مذهب توصیف کرده و معتقدند طبق اصول مذهب اشتراک در جنایت بین دو جانی محقق می‌شود نه بین جنایتها؛ اگرچه یکی از جانیان -بدون فرق بین قوی و ضعیف بودن جانیان- جراحتهای متعدد و دیگری یک جنایت وارد کند؛ البته مشروط به اینکه از طرق علمی استناد موت به هر دو محرز شود و اگر علم به استناد یکی از جانیان نباشد، به دلیل اینکه مرجحی وجود ندارد، عرفاً جنایت مستند به همه است. (النجفی، ۱۹۸۱: ۴۱/۴۳-۴۰) برخی همین ملاک را در ضمن مثال بیان کرده و معتقدند اگر دو نفر یا بیشتر مشترکاً در گذاشتن سنگی که سقوط آن سبب زیان شده، مشارکت کنند ضمان بر عهده همه قرار می‌گیرد و ظاهر امر تساوی در ضمان است، حتی اگر قدرتشان مختلف باشد. (امام‌خمینی، ۱۴۰۹: ۵۶۹/۲)

آنچه که از ظاهر نظر مشهور فهمیده می‌شود این است که، ایشان در فرض اول، یعنی وقتی که هر یک از عوامل مستقلاً فعل زیان بار انجام داده و در صورت انفراد سببیت تام در زیان می‌داشت، تردیدی در تقسیم مسئولیت به تساوی، آن هم تساوی بر مبنای تعداد عوامل مسئول به خود راه ندادند. اما، در فرض دوم، یعنی وقتی که هریک از عوامل ضمن همکاری، نقش سببیت جزئی در تحقق زیان داشته و مشترکاً سبب خسارت کامل شدند تأمل کرده و با طرح احتمالاتی نظیر توزیع خسارت براساس حصه و نسبت مالکانه، توزیع خسارت براساس قدر عمل^۱ و تقسیم ضمان براساس تعداد جنایت (الإشتهاردی، ۱۳۸۹: ۵۶۸/۴؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۴۳۲: ۸۱) به تحلیل آنها پرداخته‌اند. اگرچه در نهایت با رد تمام احتمالات عقیده خود مبنی بر تساوی مسئولیت به تعداد عوامل مسئول در این صورت را ابراز داشتند. عمده استناد مشهور به معیار تساوی در توزیع مسئولیت دو دلیل «قاعده اشتراک در ضمان» و «اطلاق روایات وارده در باب شرکت در قتل» است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به اینکه عمده روایات باب اشتراک در ضمان در بحث شرکت در قتل است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۷) که حکم به تساوی ضمان شرکا شده است؛ به این نحو که، چون در هر دو فرض از مصادیق اشتراک در جنایت، شرکا در نتیجه با هم شرکت دارند، بنابراین در ضمان نیز شریک هستند و مقتضای قاعده اشتراک در ضمان، توزیع ضمان به نسبت مساوی بین آنان است و اختلاف در قوت و ضعف آنها در فرض دوم، موجب اختلاف در ضمان نخواهد بود؛ زیرا، تفاوت در تقسیم مسئولیت بین شرکا با قاعده اشتراک در ضمان منافات دارد. (النجفی، ۱۹۸۱: ۱۴۸/۴۲؛

۱. حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۵-۲۳۳؛ خدابخشی، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۱۶.

المطهری، ۱۴۰۸: ۱۱۴) اما، اطلاق قاعده اشتراک قابل استناد و اعتماد نیست؛ چون، اگر قتلی به چند عامل، هریک به نحو سببیت کامل یا به فعل مساوی در سببیت جزئی هر کدام، استناد عقلی یا عرفی داشته باشد، به تساوی مسئول هستند؛ ولی، در سایر موارد مانند سببیت جزئی مسئولان در قتل با اختلاف در قوت و ضعف یا جراحات یا زیان مالی که به زیاد و کم قابل توصیف هستند، نمی‌توان به اطلاق قاعده اشتراک استناد کرد؛ زیرا، حکم به تساوی مسئولیت در صورت علم به تفاوت نقش در ایجاد زیان خلاف عقل سلیم و نیز ادله نقلی مانند آیاتی که هیچ‌کس بار و وزر دیگری را نباید تحمل کند، است. بنابراین، در اشتراک در جنایت زمانی می‌توان به اطلاق قاعده اشتراک استناد کرد که دلیلی بر نقش متفاوت مسئولان وجود نداشته باشد. اما، روایات وارده در باب شرکت در قتل را می‌توان حمل بر فرض اول و حالت تساوی در فرض دوم کرد و بر این مبنا روایات حمل بر فرد نادر نخواهند شد. لذا، در سایر موارد با وجود دلیل عقلی یا ظهور عرفی بر خلاف آن، نمی‌توان به اطلاق این روایات استناد کرد.

بنابراین، اگر فعل زیان بار هر عامل مستقلاً واقع شود، به طوری که استناد و سببیت کامل در تحقق ضرر داشته باشد و در قوت و ضعف هم مساوی باشند، مثلاً الف و ب هر کدام یک ضربه چاقو به ج وارد کنند که هر ضربه به تنهایی می‌تواند سبب قتل شود ولی قتل به سبب هر دو واقع شده باشد، مشروط بر آنکه هر دو هم‌زمان موجب قتل شوند، حکم به تساوی می‌شود؛ اما، اگر در شدت و ضعف اختلاف داشته باشند، مثلاً الف و ب هر کدام یک گلوله به ج بزنند، به طوری که گلوله هر کدام در صورت انفراد سببیت کامل در وقوع قتل داشته باشد، ولی الف پس از گلوله اول چند گلوله دیگر همانند آن به ج وارد کند، در این فرض او بابت صدمات ناشی از گلوله‌های اضافی از باب جنایت بر میت ضامن است، ولی در حکم قصاص یا رد فاضل دیه انسان به لحاظ اینکه افعال هر کدام سببیت کامل در تحقق قتل داشته به تساوی ضامن هستند. همچنین اگر فعل زیان بار هر عامل اعم از آنکه مستقلاً یا مشترکاً واقع شده باشد، به عنوان جزء سبب در اجتماع با هم، سبب تحقق زیان شود و افعال آنان طوری است که در شدت و ضعف متفاوت هستند، مثلاً الف یک ضربه شلاق و ب سه ضربه شلاق به ج می‌زنند که یک شلاق الف و سه شلاق ب به تنهایی سبب قتل نمی‌شود، ولی مجموع آنها باعث سرایت و قتل ج می‌شود. در این فرض نمی‌توان حکم به تساوی ضمان نمود؛ چون، مفروض آن است که مجموع چهار ضربه که یک ضربه را عامل ب و سه ضربه را عامل ج وارد کرده موجب قتل شده است. البته حکم قصاص طبق ادله بر هر دو بار می‌شود، ولی در رد فاضل دیه میزان تأثیر هر عامل باید لحاظ شود.

در حقوق ایران، هر چند معیار تقسیم مسئولیت به تساوی پذیرفته شده و طبق ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت شوند، حسب مورد هریک از شرکا یا عاقله آنان به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است و در ماده ۵۳۳ قانون مذکور نیز به صراحت معیار تقسیم مسئولیت به تساوی در صورتی که هریک از عوامل مسئول جزءالسبب بوده پذیرفته شده و مقرر شده است: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری شوند، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند.» همچنین در ماده ۵۲۸ آن قانون^۱ که به موضوع تصادف دو یا چند وسیله نقلیه با هم و مصدومیت رانندگان و سرنشینان آنها پرداخته و در واقع یکی از مصادیق سببیت جزئی عوامل متعدد در جنایت است نیز معیار تقسیم مسئولیت به تساوی پذیرفته شده که تحت تأثیر رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۲ تدوین شده و با لحاظ رأی مذکور به صورت مطلق بیان شده و شامل فروض تساوی و تفاوت در قوت و ضعف مسئولان به عنوان جزءالسبب می‌شود. اما در ماده ۵۲۶ آن قانون اعمال معیار تساوی منوط به این شده که تأثیر عوامل متعدد نیز مساوی باشد. در ماده ۵۲۶ مقرر شده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند...» همچنین از مفهوم ماده ۵۲۷ قانون مذکور^۳ معیار تقسیم مسئولیت به میزان

۱. ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسئول یک‌سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود...»

۲. «مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی [۱۳۷۰] هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسئولیت هریک از رانندگان در صورت تقصیر به هر میزان که باشد به نحو تساوی خواهد بود. بنابراین رأی شعبه بیست‌وهفتم دیوان عالی کشور که مطابق این نظر صادر شده، به اکثریت آراء موافق قانون تشخیص و تایید می‌گردد...»

۳. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دو نفر در اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه‌عمدی نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطای محض دیه هرکدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود...»

تأثیر به دست می‌آید.

بنابراین، معیار تساوی مندرج در مواد ۳۷۳، ۴۵۳، ۵۲۸ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی را باید در پرتو حکم مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ آن قانون اعمال نمود. همان‌گونه که برخی حقوقدانان نیز معتقدند از جمع مواد ۵۲۶، ۵۲۷ و ۵۳۳ همان قانون استنباط می‌شود که در کلیه موارد زیان مستند به دو یا چند شخص اصل بر تقسیم به تساوی است، مگر اینکه ثابت شود تأثیر رفتار مسئولان، متفاوت بوده که در این صورت هریک به میزان تأثیر عمل خود مسئول هستند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۳۰-۲۳۱؛ صفایی، ۱۳۹۲: ۳۷)

از این رو است که، اصول اروپایی نیز تقسیم مسئولیت به تساوی (equally responsible) را پذیرفته است، ولی به عنوان یک قاعده ثانوی؛ زیرا، با توجه به اینکه طبق اصول مذکور تئوری تقصیر (Liability based on fault) و مسئولیت محض (Strict Liability) هر دو به عنوان مبنای مسئولیت تعریف شده، در توزیع نهایی خسارت بین مسئولان در صورتی که امکان تعیین سهم هر یک از آنها به طور نسبی (relative responsibility) وجود نداشته باشد، مسئولیت به تساوی تقسیم می‌شود. (The European Group on tort law, 2005: 145) به همین دلیل در بند ۲ ماده ۹/۱۰۲ مقرر شده است: «با رعایت بند ۳ این ماده، میزان سهم هریک از عوامل زیان، به اندازه‌ای است که صرفاً با توجه به نسبت مسئولیت هریک از اشخاص در پرداخت خسارت و با در نظر گرفتن درجات تقصیر و هر موضوع دیگری که در ایجاد و یا کاهش مسئولیت آنان ارتباط دارد، تعیین خواهد شد؛ سهم می‌تواند برابر با تمامی خسارت باشد. اگر تعیین میزان مسئولیت هریک از اشخاص مسئول ممکن نباشد، هریک از آنان به نسبت مساوی مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند.» (برنهارد، ۱۳۹۲: ۱۳۸ و ۱۳۹/۱۴۴) این معیار در حقوق عرفی با عنوان «قاعده تناسب محض» (Pure pro rata rule) شناخته شده و طبق آن، تناسب عددی مبنای تقسیم است؛ مثلاً، با وجود سه عامل مسئول، هر کدام باید یک سوم خسارت را جبران کند. (Wlser, 2013: 4; E.Jonson, 2015: 411)

۲-۴- معیار توزیع مسئولیت براساس درجه تقصیر

مسئولیت مدنی در گذشته، رویکردی رفتار محور داشته و در تحقق هدف، عدالت اصلاحی بر عدالت ترمیمی و جبرانی اولویت داشت. لذا، در این رویکرد تقصیر مبنای مسئولیت محسوب می‌شد و واضح است که در عوامل متعدد باید به درجه تقصیر توجه شود و درجه تقصیر هر

عاملی شدیدتر باشد، او مسئولیت بیشتری باید داشته باشد تا عدالت اصلاحی محقق شود و حکم به تساوی در صورت تفاوت تقصیر عین بی‌عدالتی محسوب می‌شود. مطابق این رویکرد^۱ در فرضی که دو یا چند عامل در تحقق زیان دخیل باشد، پس از احراز تقصیر و شناسایی عوامل مسئول، به میزان تقصیری که هر یک از مسئولان در ورود زیان مرتکب شده‌اند، مسئولیت باید بین آنان توزیع شود.^۲ با توجه به اینکه اکثر نظامهای حقوقی تقصیر را به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی پذیرفته‌اند، برخی معتقدند معیار درجه تقصیر از بیشترین مقبولیت و محبوبیت برخوردار است.^۳ از این رو، در برخی نظریات حقوقی، تقصیر درجه‌بندی شده و به عنوان ملاک تقسیم مسئولیت محسوب می‌شود.^۴

در حقوق ایران نیز، برخی معتقدند انتساب خسارت به مسبب در باب تسبیب، مبتنی بر تقصیر است و در صورت عدم تقصیر انتساب خسارت به مسبب احراز نمی‌شود.^۵ لذا، میزان تقصیر در تسبیب می‌تواند به عنوان معیاری برای تقسیم مسئولیت به کار گرفته شود. در ماده ۱۶۵ قانون دریایی^۶ نیز معیار تقسیم مسئولیت براساس میزان تقصیر پذیرفته شده است.

هر چند اصول اروپایی که از طرفی تقصیر را به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی برشمرده و از طرف دیگر در توزیع مسئولیت اصل را بر مسئولیت نسبی قرار داده و در ماده ۹/۱۰۲ میزان تقصیر را به عنوان یکی از ابزارهای مهم در تعیین سهم مسئولیت نسبی مسئولان شمرده است؛ (DGGreen, 2012: 301) اما، گروه اروپایی حقوق مسئولیت مدنی در تشریح این ماده آن را شبیه ماده ۸/۱۰۱ راجع به تقصیر مشترک زیان‌دیده (the victim's contributory fault) می‌داند و از عنوان تقصیر نسبی (relative fault) استفاده کرده است؛ چون، تقصیر نسبی به ویژه در قضیه‌ای

۱. در حقوق عرفی به «رویکرد تنا سب تعدیل شده یا نسبی» (modified pro rata or proportional approach)

معروف است. (Elser, 2103: 4)

2. A.Kornhauser, 1998: 626; skinner, 2013: 11; Elser, 2013: 4; E.Johnson, 2105: 411; Payne, 2006:2

۳. کاتوزیان و غیره، ۱۳۸۱: ۱۳۸.

۴. یزدانیان، ۱۳۸۶: ۴۱۲.

۵. محقق داماد، ۱۳۹۰: ۱۲۰؛ دالوند، ۱۳۸۶: ۱۰۵؛ عباسلو، ۱۳۸۶: ۵۱.

۶. ماده ۱۶۵ قانون دریایی: «تناسب خسارات الف- اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند مسئولیت هر یک از کشتیها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است. معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیر یا شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد طرفین به نسبت متساوی مسئول خواهند بود...»

که مسئولیت تمام عوامل مبتنی بر تقصیر است، اهمیت آشکاری دارد ولی نباید تنها این موضوع را تعیین کننده دانست؛ زیرا، ممکن است در قضیه‌ای یکی از مسئولان دارای مسئولیت مطلق بر مبنای خطر باشد و دیگری بر مبنای تقصیر مسئولیت داشته باشد که در این صورت، نمی‌توان به طور کلی و در تمام قضایا عامل مسئول مبتنی بر تقصیر را در نهایت مسئول تمام خسارت دانست و برای عامل مسئول مبتنی بر خطر حق رجوع به وی برای دریافت سهم مسئولیت قائل شد. (The European Group on tort law, 2005: 145) بنابراین، علاوه بر میزان تقصیر، معیارهای دیگری نیز می‌توانند در تعیین سهم مسئولیت مسئولان مؤثر باشند؛ لذا، در ماده ۹/۱۰۲ مقرر شده است: «...و هر موضوع دیگری که در ایجاد یا کاهش مسئولیت آنها ارتباط دارد...».

به هر حال، این معیار در حوزه مسئولیت مدنی معاصر کارایی چندانی ندارد؛ زیرا، از سویی در حقوق غربی که خاستگاه این معیار بود، تقصیر نوعی شد و تقصیر نوعی قابل درجه‌بندی نیست؛ چون، تقصیر با توجه به عمد و سهو و بی‌احتیاطی و غفلت شخصی مرتکب درجه‌بندی می‌شود و آن زمانی قابل اعمال است که تقصیر شخصی باشد؛ از سوی دیگر، مسئول قرارگرفتن اشخاص حقوقی در بسیاری از پرونده‌های مسئولیت مدنی مانند مسئولیت مبتنی بر تولید، مسئولیت ناشی از حمل‌ونقل که عمدتاً شرکتها هستند، موجب شد که مسئولیت مدنی نیز نوعی شود. لذا، درجه تقصیر چندان نقشی در توزیع مسئولیت مدنی معاصر ندارد، مگر در مسئولیت مدنی ناشی از جرم که ممکن است تحت عنوان خسارت تنبیهی خود را نشان دهد. علاوه بر این، هدف اولیه مسئولیت مدنی معاصر تحقق عدالت ترمیمی نه عدالت اصلاحی است. لذا، برخی معتقدند مسئولیت مدنی، مجازات تقصیر نیست تا به تناسب آن کم و زیاد شود، بلکه هر شخص به اندازه‌ای که زیان رسانده مسئولیت پیدا می‌کند، هر چند که تقصیر سبک‌تری نیز مرتکب شده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۹۸)

۳-۴- معیار توزیع مسئولیت به میزان تأثیر

لازمه تحول در رویکرد و هدف مسئولیت مدنی از عدالت اصلاحی به عدالت ترمیمی یا جبرانی، تغییر در معیار توزیع مسئولیت عوامل متعدد است؛ زیرا، اقتضای عدالت جبرانی در این است که هر عاملی به اندازه زبانی که وارد کرده مسئولیت جبران داشته باشد و مسئولیت مازاد بر زیان وارده از منظر عدالت ترمیمی عادلانه نیست. لذا، باید در توزیع مسئولیت بین عوامل متعدد از معیار تأثیر و مقدار ضرر استفاده شود. مطابق این معیار در فرضی که دو یا چند عامل در تحقق زیان دخالت داشته باشند، پس از احراز سببیت و شناسایی عوامل مسئول، به میزان تأثیری که هر کدام در ورود

زیان داشتند، مسئولیت باید بین آنان توزیع شود. از لحاظ نظری، تقسیم مسئولیت براساس میزان تأثیر امری منطقی و عادلانه است، به طوری که حتی طرفداران نظریه تضامن در توزیع نهایی مسئولیت این شیوه را ترجیح دادند؛ (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۳۹۸) زیرا، در تعیین سهم مسئولیت هریک از مسئولان، ماهیت رفتار زیان بار آنان و اندازه رابطه سببی بین رفتار و زیان مورد مطالبه در نظر گرفته می‌شود؛ (Michael, 2016: 633; K.Dewolf, 2009: 6-5) به تعبیر دیگر، هر عامل مسئولی به میزان نقش سببی در زیان وارده مسئولیت دارد نه بیشتر یا کمتر از آن؛ لذا، این نظریه موافق اصول قانونی از جمله اصل نسبی بودن خسارت و مجازات است. (دالوند، ۱۳۸۶: ۱۰۳؛ مددی، ۱۳۸۸: ۱۴۷) در ارزیابی میزان تأثیر هریک از مسئولان، تمام اوضاع و احوال حاکم بر دخالت آنها شامل زمان و مکان و موضوع خسارت و سایر شرایط باید در نظر گرفته شود. (خدابخشی، ۱۳۹۱: ۱۱۳) کانون توجه در این ملاک، زیان حاصل از تأثیر مسئولان است، درحالی که در معیار تقسیم مسئولیت به میزان تقصیر به فاکتورهای حسی و ذهنی مسئولان مانند عمد و قصد، قابلیت پیش‌بینی و بی‌احتیاطی توجه می‌شود. (دالوند، ۱۳۸۶: ۷۶)

هرچند برخی معتقدند جداسازی هر مسئولی از دیگری به نتیجه نامعقول منتهی می‌شود، مثلاً اگر در میان مسئولان میزان تأثیر دو یا چند نفر بیش از پنجاه درصد باشد و هرکدام به همان میزان مسئول پرداخت خسارت باشند، ضمان آنها بیش از خسارت کامل خواهد بود؛ درحالی که مسئولان هیچ تعهدی به پرداخت خسارت بیش از خسارت کامل ندارند. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۲؛ یزدانیان، ۱۳۸۶: ۴۱۴) اما، این ایراد وارد نیست؛ زیرا، نسبت تأثیر اضرار هر عامل نسبت به کل خسارت سنجیده می‌شود. بنابراین، میزان تأثیر عوامل مسئول بیش از خسارت کامل نخواهد بود. علاوه بر این، استناد به غیرقابل تجزیه بودن خسارت نیز آن‌گونه که برخی معتقد شده‌اند که تمام مسئولان مجتمعاً آن‌را به وجود آورده‌اند و هیچ‌یک در آن استقلال ندارند، (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۸۷/۱) منطقی نیست؛ زیرا، اولاً، تمام سیستم‌های حقوقی توزیع خسارت بین عوامل متعدد را پذیرفته‌اند و فقط در بعضی سیستم‌ها قانون، خسارت را در قبال زیان دیده غیرقابل تجزیه دانسته است؛ ثانیاً، در سیستم حقوقی ایران همان‌گونه که از ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی ظاهر است، به تبع توزیع مسئولیت، خسارت زیان دیده نیز تجزیه می‌شود. بنابراین، هر شخصی باید به اندازه تأثیرش در ایجاد خسارت مسئول باشد. همچنین، اشکال به اینکه این معیار نحوه تعیین مقدار تأثیر را معلوم نمی‌کند و کار قضات برای تشخیص نقش سببی و میزان تأثیر هریک از مسئولان دشوار می‌شود، (شرافت‌پیما، ۱۳۹۲: ۷۱) وارد نیست؛ چون، وفق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و سایر

مقررات حاکم اگر از طریق کارشناس و سایر ابزارهای علمی ثابت شد که تأثیر متفاوت است، به آن عمل می‌شود.

بنابراین، برخی فقهای معاصر معیار تقسیم مسئولیت به میزان تأثیر را پذیرفته و معتقدند هر کدام از اسباب به مقدار تأثیری که در پدید آمدن حادثه داشته ضامن هستند و در صورتی که میزان تأثیر هریک مشخص نباشد، نخست، به کارشناسان مورد اطمینان مراجعه می‌شود، اگر مشخص نشد خسارت بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود؛^۱ به عبارت دیگر، اگر علت حادثه به سبب بی‌احتیاطی چند نفر با درصدهای متفاوت باشد، نحوه توزیع مسئولیت به نسبت میزان تأثیر و سببیت هر کدام، ضامن به همان نسبت متفاوت می‌شود و گرنه ضامن بالسویه است. (مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، ۱۳۸۵: ۲۸۰) حقوقدانان متعددی^۲ نیز این نظریه را پذیرفته‌اند.

در حقوق ایران، ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی^۳ بیانگر این معیار است. مواد ۳۱۸ تا ۳۲۰ قانون مدنی که متخذ از فقه اسلامی است، در مورد حق رجوع یکی از غاصبان به غاصب دیگری که مال یا منفعت در دست او از بین رفته، مؤید معیار تقسیم مسئولیت براساس میزان تأثیر هستند. (شرافت‌پیما، ۱۳۹۲: ۹۳) قانونگذار ایرانی در تدوین قانون مجازات اسلامی جدید تمایل خود را به اعمال این معیار نشان داده و چنانچه در مطالب قبل بیان شد، در ماده ۵۲۶ آن به صراحت این معیار را پذیرفته است. همین‌طور از مفهوم ماده ۵۲۷ همان قانون نیز این معیار قابل استنباط است.

اصول اروپایی که اصل را بر مسئولیت نسبی در توزیع خسارت بین مسئولان متعدد قرار داده، در ماده ۹/۱۰۲ مقرر کرده است، علاوه بر درجات تقصیر، هر موضوع دیگری که به ایجاد مسئولیت عوامل مسئول مرتبط است می‌تواند در تعیین سهم آنان مؤثر باشد؛ لذا، معیار تقسیم مسئولیت براساس میزان تأثیر را نیز پذیرفته است؛ (DGreen, 2012: 301) مثلاً، وقتی که زمین کشاورزی

۱. مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۸۱.

۲. باریکلو، ۱۳۹۳: ۱۶۵؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۳۰؛ شرافت‌پیما، ۱۳۹۲: ۹۵؛ عمیدزنجانی، ۱۳۸۲: ۹۲؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۰۰.

۳. ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی: «در مورد ماده ۱۲، هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هریک از آنها با توجه به نحوه مداخله هریک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.»

p با ده میلیون لیتر آب پر شود طوری که به نسبت شش میلیون لیتر آب برای D1 و چهار میلیون لیتر آب برای D2 باشد، مناسب است که هریک از مسئولان به میزان سهمشان مسئول جبران زیان باشند. (The European Group on tort law, 2005: 145) بنابراین، معیار میزان تأثیر در صورتی که تفاوت تأثیر به ادله معتبر حقوقی اثبات شود، از معیار توزیع به تساوی عادلانه‌تر است و باید اعمال شود.

نتیجه‌گیری

در موضوع تعیین سهم مسئولیت مدنی مسئولان متعدد، سه معیار توزیع مسئولیت به تساوی، توزیع مسئولیت به میزان تأثیر و توزیع مسئولیت به میزان درجه تقصیر مطرح شده که از بین این معیارها، معیار توزیع به میزان درجه تقصیر سست‌ترین آن است؛ زیرا، اولاً، هدف مسئولیت مدنی در حقوق معاصر از تنبیه به جبران بیشتر متمایل شده و این معیار با این هدف هماهنگ نیست؛ ثانیاً، علاوه بر اینکه تقصیر نوعی شده در بسیاری از موارد وجود تقصیر برای مسئولیت مدنی لازم نیست؛ ثالثاً، ابزار اندازه‌گیری و درجه‌بندی تقصیر به معنای شخصی آن کار روانکاوان است و در حوزه حقوق قابل احراز نیست.

لذا، دو معیار دیگر باقی می‌ماند که از میان آنها اولویت با معیار توزیع مسئولیت به میزان تأثیر است؛ چون، عدالت ترمیمی و جبرانی اقتضا دارد که هر شخص به اندازه زبانی که وارد کرده، مسئول جبران آن باشد و تسهیم مسئولیت به تساوی در جایی که نقش سببی مسئولان قوت و ضعف دارد چنانچه در معیار توزیع مسئولیت به تساوی بیان شده دور از عدالت و انصاف و حکم عقل است. به علاوه اینکه، این معیار با ادله و اصول حقوقی مطابقت بیشتری دارد. البته اگر میزان تأثیر متفاوت عوامل مسئول احراز نشد یا تأثیر آنها مساوی باشد، مسئولیت به تساوی عددی بین آنان توزیع می‌شود. بنابراین، معیار تساوی پذیرفته شده در مواد ۳۷۳، ۴۵۳، ۵۲۸ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی را باید در پرتو حکم مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ همان قانون اعمال نمود. طبق اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپایی سهم مسئولیت عوامل مسئول بر مبنای مسئولیت نسبی تعیین می‌شود و در عدم امکان تعیین، مسئولیت به تساوی توزیع می‌شود.

منابع

الف - فارسی

۱. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
۲. برنهارد، ای کاوچ (۱۳۹۱)، «گروه اروپایی حقوق مسئولیت مدنی و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی»، ترجمه علی رضایی، ماهنامه کانون، شماره ۱۳۸ و ۱۳۹، صص ۱۲۵-۱۴۷.
۳. حسینی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۲)، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۴. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی در فقه امامیه مبانی و ساختار، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۱)، «توزیع خسارت در حقوق مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۶.
۶. دالوند، فضل‌الله (۱۳۸۶)، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات دادیار.
۷. شرافت‌پیما، محمد رضا (۱۳۹۲)، «تقسیم خسارت میان مسئولان متعدد در مسئولیت قهری»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۷۷-۹۷.
۸. صفایی، سید حسین (۱۳۹۲)، «ضابطه تقسیم مسئولیت مدنی در فرض تصادم وسائل نقلیه»، فصلنامه مطالعات آرای قضایی، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۹-۳۹.
۹. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ پنجم، تهران: سمت.
۱۰. عباسلو، بختیار (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۱. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، موجبات ضمان در آمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۲. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، با همکاری لعیا جنیدی و مجید غمامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، الزام‌های خارج از قرارداد قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری (۱۳۸۵)، جلد ۸، چاپ اول، تهران: نشر قضا.
۱۶. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۰)، قواعد فقه بخش مدنی، چاپ سی‌ودوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۷. مددی، صادق (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۸. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶)، حقوق مدنی قواعد عمومی مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

ب- عربی

۱۹. ابوالقاسم (محقق حلی)، جعفر بن الحسن (۱۳۸۹ق)، *شرايع الإسلام فی مسایل الحلال و الحرام*، المجلد الرابع، الطبعة الاولى، نجف: منشورات الأعلمی.
۲۰. الاشتهاردی، علی پناه؛ الموسوی، حسین و البروجردی، عبدالرحیم (۱۳۸۹ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح القواعد*، الجزء الرابع الطبعة الاولى، قم: المطبعة العلمية.
۲۱. البجنوردی، محمدحسن (۱۴۲۸ق)، *القواعد الفقهية*، الطبعة الثالثة، قم: منشورات دلیل ما.
۲۲. الأسدی (علامه حلی)، الحسن (۱۴۱۹ق)، *قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام*، الجزء الثالث، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۳. الإصفهانی (فاضل هندی)، محمد (۱۴۲۴ق)، *كشف اللثام عن قواعد الأحكام*، الجزء الحادی عشر، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۴. الحسيني المرآفی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، *العناوين الفقهية*، الجزء الثاني، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۵. الصانعی، یوسف (۱۴۳۱ق)، *التعليقة على تحرير الوسيلة الإمام الخميني*، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة العروج.
۲۶. المحسنی، محمد آصف (۱۳۸۹ق)، *الضمانات الفقهية واسبابها*، الطبعة الاولى، قم: پیام مهر.
۲۷. المقدس الأردبیلی، احمد (۱۴۱۶ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، الجزء الثالث عشر، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۸. المطهری، احمد (۱۴۰۸ق)، *مستند تحرير الوسيلة كتاب الديات*، قم: الإنتشارات للأستاذ المطهری.
۲۹. الطباطبای، سید علی (۱۴۲۲ق)، *رياض المسائل*، الجزء الثاني عشر، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۰. النجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م)، *جواهر الكلام فی شرح شرايع الإسلام*، المجلد السابع والثلاثون، الثاني والأربعون و الثالث والأربعون، الطبعة السابعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹ق)، *تحرير الوسيلة*، المجلد الثاني، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة مطبوعات دار العلم.
۳۲. رشتی، حبیب الله (۱۳۸۸ق)، *كتاب الغضب*، چاپ اول، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۳۳. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، *مهنب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، چاپ چهارم، قم: مؤسسة المنار.
۳۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۳۲ق)، *تفصیل الشریعة فی شرح تحرير الوسيلة كتاب الديات*، الطبعة الاولى، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار، المطبعة اعتماد.
۳۵. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۰۸ق)، *كتاب الديات*، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، *الفتاوى الجديدة*، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
۳۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، الجزء الثاني والأربعون، نجف: مؤسسة احیاء آثار الإمام الخویی.
۳۸. نائینی، محمد و غروی، حسین (۱۴۲۱ق)، *الرسائل الفقهية*، چاپ اول، قم: مؤسسة معارف اسلامی امام رضا (ع).

ج - انگلیسی

39. K.Dewolf, David (2009). *the Tort of Law Cases and Materials*, Michigan: Lupus publication, Ltd, Lansing.
40. Koziol, Helmut (2015). *Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective*, Vienna: Jan Sramek Verlag Publication.
41. Rogers, W.V.H (2002). *Winfield & Jolowicz on tort law*, sixteen edition, London: Sweet & Maxwell.
42. D.Green, Michael & Marteau, Olivier (2012). "Restating tort law: the American and European styles", *JETL*, vol. 3, No.3, pp. 281-307.
43. Goepel, Justice & Batkin, Suva (2009). apportionment of damages between multiple tortfeasors", *Advocate*, Vol.61, No.1, pp.57-78.
44. Michael, Faure (2016). "Attribution of liability: an economic analysis of various cases", *Chicago-Kent law review*, vol.91, No.2, pp.603-635.
45. Moreteau, Oliver (2013). "French tort law in the light of European harmonization", *journal of civil law studies*, vol.6, No.2, pp.760-801.
46. Neethling, Johann (2006). "Toward a European jus commune on tort law: a practical experience", *Fundamina: A Journal of Legal History*, Vol.12, No.1, pp.81-92.
47. young, Robert; Faure, Michael; Fenni, Paul & Willis, Jonathan (2007). "multiple tortfeasors: an economic analysis", *review of law and economics*, vol.3, No.1, pp.111-132.

د - وبسایت

48. The European group on tort law (2005). *Principles of European tort law-text and commentary*, Retrieved from: <http://www.egtl.org>.
49. A.Kornhaoser, Lewis & L.Revesz, Richard (1998). *joint tortfeasors*, school of law, New York university, retrieved from: <http://www.reference.findlaw.com>.
50. E.Johnson, Eric (2105). *multiple tortfeasors*, School of law, University of North Dakota, Retrieved from: <http://www.ericjohnson.com>.
51. Elser, Wilson, (2013). *joint and several liability 50-state survey*, legal analysis, retrieved from: <http://www.wilsonelser.com>.
52. Payne, Andy, (2006), *proportionate responsibility & indemnity*, legal analysis, retrieved from: <http://www.paynelawgroup.com>.
53. Skinner, Catherine, (2013), *contributory fault: the tortfeasors and contributory negligence Act*, Manitoba law reform commission, report for consultation, retrieved from: <http://www.manitobalawreform.ca>.
54. Staunton, Amelia, (2011), *indivisible injuries*, Dolden Wallace folick LLP, retrieved from: <http://www.dolden.com>.